

سه‌شنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۲۹۸

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

بیمه غلام سیاه...

قیدار مچ دست نعلش را محکم می‌گیرد و پوشه را می‌دهد دست منشی -میرزا! چه باید بنویسم؟

- شما فقط امضا کنید، من متن رضایت را

بالاش می‌نویسم.

قیدار چیزی نمی‌گوید. نگاه نمی‌کند به نعلش. امضا می‌کند و همان‌جور که مچ دست نعلش را محکم گرفته است، سرش را جلو می‌برد و آرام می‌گوید:

- سر سؤال قاضی و مصرف مواد که مرد نبودی؛ نیم‌مرد بزنی و حرفی نزدی... اما حالا که امضای رضایت را گرفتی، می‌خواهم مرد باشی و این یکی را حرف بزنی... نه نیم‌مرد باشی که حرف بزنی، نه نامرد باشی که غلط حرف بزنی... می‌خواهم مرد باشی! حق؟!

نعلش، دست قیدار را می‌بوسد و تندتند سر تکان می‌دهد و «حق حق» می‌گوید. قیدار

می‌گوید:

- دیروز نشستم پیش میرزا، تا شب بیجک‌ها و قبض‌ها را واریسی کردم. تو از آنهایی بودی که ۲ گوسفند بیمه تریلی‌ات را نمی‌دادی به هیات قیدار و می‌گفتی توی ولایت خودشان، قربانی زمین می‌زنی... نکند پول ۲ ت گوسفند را هاپولی کرده باشی... مرد باش و بگو خون «بیمه‌جون» را ریخته بودی یا نه؟

نعلش چیزی نمی‌گوید. بک‌هو فرو می‌ریزد و دوباره می‌افتد زمین. زار می‌زند و جیغ می‌کشد. گل از چهره قیدار می‌شکند؛ شاد می‌شود. بعد از تصادف برای اول‌بار می‌خندد؛ قاه‌قه می‌کشد. آرام به ۵ نفری که کنار در دادگاه منتظر ایستاده‌اند، می‌گوید:

- بهتر شد... بهتر شد... صافی خونم تعویض شد، نفسم چاق... اگر قربانی کشته بود، تو گراز! شاید پار کابی ناصر، یا شاگرد هاشم، بجای!، نخواست‌های، پس خیزی، به ارباب و کرم ارباب، بدبین می‌شدی... حالا همه می‌فهمند که بیمه جون، یعنی چهار روزی که وصل کردم گراز را به بیمه جون، پاری‌ها گفتند چرا بیمه جون؟ گفتیم اگر بچه لشت نشای گیلان بودم، می‌نوشتیم بیمه آقا عبدالله، اگر بچه باردرد و نظنز بودم، می‌نوشتیم بیمه آقا علی عباس... اما چه کنم، هیچ امامزاده‌ای بچه‌محل قیدار نمی‌شود.

پاری دیگر گفتند چرا نوشتی بیمه حضرت قمر؟ بی‌گفتی کردم؛ اما از همان روز ترسم از این بود که روزی همچو واقعی‌اش شود و به قرص ماه شب چهارده، لکی بیفتد... حالا همه می‌فهمند که حضرت ارباب و حضرت قمر که هیچ، در بین هفتاد و دواتشان، غلام سیاه‌شم هم قیدار را روسیاه نمی‌کند جلو خلق...

رضاامیرخانی قیدار (چاپ دوازدهم، تهران: نشر افق، ۱۳۹۵) صفحات ۵۹ و ۶۰

شاعری که دانشجوی خط‌امام بود

سیدحسن آحسینی، عاشق قیصر [امین‌پور] بود. سیدحسن از جریان تصادف قیصر برای‌مان صحبت کرد و می‌گفت که در بیمارستان به دیدنش رفته و یک رباعی بالای تخت او برایش سروده:

سهم من و تو اگر چه از بخت، کم است غم نیست که عمر فتنه هم سخت کم است تو قیصر سرزمین عشق و ادبی برخیز ز جا! برای تو تخت، کم است مسائل عاطفی و رفاقت ایشان مطرح شد.

بحث جلال و جمال را آنجا مطرح کردم و گفتم: شما جلوه جلالی شعر انقلاب هستید و قیصر جلوه جمالی آن. که ایشان گفت: «ها! قیصر بشدت از من جلالی‌تر است، ولی نشان نمی‌دهد؛ چون دل قیصر بزرگ است در درونش می‌ریزد، ولی من نمی‌توانم تحمل کنم و بیرون می‌ریزم».

همین بحث بود که ما را به تسخیر لانه جاسوسی رساند؛ و گفت: «یکی از جلوه‌های جلالی قیصر، این بود که او جزو تسخیرکنندگان لانه است و یکی دو هفته اول، به‌طور کامل در لانه بوده و یک‌بار تنها به بیانیته‌های دانشجویان را قیصر خوانده است؛ تا مادها بعد هم قیصر ابا اینکها آنجا نبوده ولی متن بیانیته‌ها را او از نظرگاه ادبی ویرایش می‌کرد.

حسین قربایی به نقل از:مصطفی‌محمدتی خراسانی از سنباد شعر

مجموعه تاریخ شفاهی شعر معاصر ایران نشر معارف پشت جلد

سر نوشت یک عامل انگلیس

آغلامعلی‌خان از اشخاص محترم شیراز که در خفا رابط کنسول انگلیس و حاکم فارس بود، در شیراز جلو مردم گفت:« علی دلواری هم به درک واصل شد...». یکی از جماعت دنبال او برمی‌خیزد، او را می‌زند و به آن تیر و وفات یاف.

مخبرالسلطنه‌هدایت خا طرات و خطرات صفحه ۲۷۵

پیامبر اعظم(ص)

هر کس پیرمردی را به خاطر پیری او گردانی بدارد، خداوند او را از سختی و هراس روز قیامت در امان قرار خواهد داد.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
پست الکترونیک : info@vatanemrooz.ir
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيام‌رسان: vatanemrooz
چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

درباره بازگشت شروین حاجی‌پور به فضای کار رسمی و حواشی پیرامون آن

عادی و طبیعی به روال سابق کارش برگردد؟ در این صورت هزینه سواستفاده‌های خودخواهانه به قدری پایین خواهد آمد که هر بار اتفاقی می‌افتد، راحت‌ترین کار همراهی با آن و در صورت فروکش کردن جو آن اتفاقات، بر گشت بی‌سر و صدا و بی‌هزینه به روال قبل است. در ضمن چنین وضعیتی تأثیر عاطفی بدی روی وفاداران به نظم و قاعده موجود می‌گذارد، چرا که می‌بینند ظاهراً کسانی که این چنین رفتار نمی‌کنند، منفعت بیشتری می‌برند و آخر سر دوباره همان‌ها هستند که بر صدر می‌نشینند. این‌هاست که فضاوت درباره فعالیت رسمی شروین حاجی‌پور را مشکل کرده؛ چه اینکه او فقط یک خواننده نیست تا در موردش هر نوع تصمیمی گرفته شود. او یک نمونه است که برخورد‌ها در برابرش نماد و الگویی از برخورد با مواردی است که افراد مشهور یا معمولی خطایی کرده‌اند یا اعتراض تندئ داشته‌اند و حالا که به نظر می‌رسد از آن فضا فاصله گرفته‌اند، یک بالاکلیفی خطرناک درباره اینکه چگونه باید با آنها رفتار کرد وجود دارد. اتفاقات سال ۸۸ و ۱۰ سال پس از آن اتفاقات سال ۹۸، خصوصاً ماجرای سقوط هواپیمای اوکراینی، ۲ موردی بودند که چهره‌های مشهور هنری و بعضاً ورزشی را به ورطه چنین رفتارهایی کشاندند و همین، جنس برخورد بعدی با آنها را چالش‌برانگیز می‌کرد.

این وضعیت در سال ۱۴۰۱ شدت بیشتری یافت و حالا به نظر می‌رسد زمان آن است که یک موضع اصولی، یک پروتکل جامع و یک الگوی جزئی‌نگر و کامل برای برخورد با چنین مواردی داشته باشیم و هر کس بنا به عواطف شخصی یا تشخیص فردی خودش برخورد نکند، نمی‌توان برای این موضوع نسخه قطعی پیچید و به تنهایی و فارغ از تعامل با خرد جمعی و بهره‌بردن از نظرات دیگران، راه‌حلی ارائه داد که آن را بتوان نپایی و خلالت‌ناپذیر دانست اما می‌توان چند نوع روشی را که معمولاً در برخورد با این موارد وجود داشته یا می‌تواند داشته باشد بررسی کرد تا ببینیم شیوه معقول که مناسب این زمانه و این شرایط باشد، چیست. راه‌حل نهایی طبیعتاً یا ترکیبی است از همین روش‌های مورد اشاره یا چیزی بیرون از آنها. پس ما می‌فهمیم با همین روش‌ها، با باید با دیگر شیوه‌ها ترکیب کرد و از این به بعد به شکل سابق‌شان قابل استفاده نیستند یا کلاً باید از آنها گذشت و سراغ روشی برای برخورد واضح‌است که شیوه اولیه و اصولی برای برخورد با چهره‌های مشهور در مواردی که گردید یک

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۸۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
info@vatanemrooz.ir
پست الکترونیک : vatanemrooz@vatanemrooz.ir
پيام‌رسان: vatanemrooz
چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

درباره بازگشت شروین حاجی‌پور به فضای کار رسمی و حواشی پیرامون آن

جو ملتهب افتاده‌اند، مربوط به قبل از موضع‌گیری یا رفتار نامتعارف آن‌هاست و باید شامل حداکثر تلاش برای تعلل دوستانه باشد تا موارد چالش‌برانگیز به حداقل برسند به عبارتی، تمام روش‌های برخورد که به آنها اشاره می‌شود، برای کسانی است که از این صافی هم گذشتند و تعامل با آنها در مرحله اول موفقیت‌آمیز نبود. در ادامه به چند روش متداول در برخورد با این موضوع که بعضی از آنها در کشورمان بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند و بعضی کمتر، اشاره شده است.

انتقال محض
یک روش ایده‌آلیستی و عمدتاً غیرواقع‌گرا در برابر چهره‌های مشهور که ساختار شکنی کرده‌اند، سکوت محض در برابر آنها و نادیده گرفتن تمام رفتارهای‌شان است. هیچ‌کدام از نظامات سیاسی دنیا در عمل به این شکل رفتار نمی‌کنند و بین جوامعی که در آنها صحبت از آزادی هست هم در حقیقت چنین حساسیت‌های بالادستی است که فرق می‌کند، نه میزان حساسیت‌ها مثلاً در ایران نمی‌توان علناً از همجنس‌بازی دفاع کرد اما می‌توان مداخله فلسطین بود، حال آنکه در فرانسه دفاع از همجنس‌بازی آزاد است و در عوض اگر کسی کوچک‌ترین حمایتی از مردم فلسطین بکند، او را به جرم حمایت از تروریسم؟! زندانی می‌کنند. آزادی محض و همه‌جانبه فقط در نظرگاه بعضی فیلسوفان رادیکال و غیرمعلمگرا می‌تواند وجود داشته باشد، با این حال عدای در جامعه ما به چنین رویکردی تکیه دارند و از آنجا که در این کشور الگو و پروتکل مشخصی برای برخورد با چهره‌های مشهور وجود ندارد، همچنان که برای برابراشان رفتارهای تند و بدون ظرفیتی دیده می‌شود، گاهی هم سکوت محض و فرصت دادن‌های ابدی را می‌بینیم. این روش هم وقتی تنش به حد اعلا رسید، ایده‌آهای خودش را نشان می‌دهد و معلوم می‌شود باید از اول، البته به تدریج و آرامی، تدبیر می‌شد تا کار به مراحل پرآلود بعدی نکشند.

اعتراف‌گیری واضح
یک روش برخورد با چهره‌های مشهوری که رفتار ساختار شکنانه‌ای کرده‌اند این است که با هر ابزار ممکن آنها را وادان به عذرخواهی واضح و عقب‌نشینی آشکار و فوری از مواضع‌شان کنند. تقریباً هیچ مخاطبی نیست که در چنین مواردی نفهمد آن چهره مشهور به طور ناگهانی متوجه می‌شوند که چه سبزی طی شده است. قدرت او را به این عدول ناگهانی از مواضعش این روش برای در هم شکستن سفوف معترضان مناسب است چون همیشه آنها را می‌شوکنند اما اولاً دکتربین جمهوری اسلامی سرکوب اعتراض نیست و با اغتشاش مشکل دارد و ثانیاً این روش ممکن است فقط بتواند معترضان یا مخالفان را مرعوب کند و آنها را اقتاع نمی‌کند. به عبارتی، چیزی که مایه اختلاف بسوده را حل نمی‌کند و امکان دارد مسأله، روزی دیگر، از جای دیگر سر برپیورد. از این روش بارها استفاده شده اما به نظر می‌رسد که دیگر اکثر عقلای جامعه ما فهمیده‌اند عصر آن به سر رسیده و جز در مواردی خاص، توجیهی برای

و جلوی رفتارشان را بگیرند.

به مناسبت دوم اردیبهشت، سالروز تأسیس سپاه پاسداران

تصویر پاسداران انقلاب در سینما

پرداخته‌اند، می‌توان به «ماجرای نیمروز» از محمدحسین مهدویان و «لباس شخصی» از امیرعباس ربیعی اشاره کرد. ماجرای نیمروز بر اساس واقعیت ساخته شده بود اما فیلم امیرعباس ربیعی یک قصه خیالی داشت یا می‌شود گفت که بخش مهمی از ماجرا به شخصیت‌های اصلی‌اش سنگین‌تر بود. چند فیلم دیگر هم به فعالیت امنیتی سپاه در سال‌های اخیر پرداخته‌اند که برخی از آنها مثل «به وقت شام» یا «قلب رقه»، نقش این نیروها را خارج از مرزها و مبارزه با داعش نشان داده‌اند و برخی دیگر مانند «دایگارد» از ابراهیم حاتم‌ی کیا سراغ نقش بچه‌های سپاه در مسائل مربوط به امنیت داخلی رفته‌اند. سال ۱۴۰۳ هم فیلم «شک هور» و «سفند» که به جشتواره فجر امند، به زندگی و شهادت یکی از چهره‌های پررمز

سقوط امپراتوری

خراب کنید، نادیده گرفتن صداهای مخالف و اتکا به دست‌نشانده‌گان نخستین قدم مهم است.

■ مرحله دوم: شروع در گیری با هر کشور ممکن

سیاست بین‌الملل ذاتاً رقابتی است، به همین دلیل کشورها باید سعی کنند شرکای عمده‌تا قابل اعتماد داشته باشند و دشمنان را به حداقل برسانند. سیاست خارجی موفق، به طور طبیعی، به جلب حمایت بیشتر از دیگر کشورها می‌انجامد و دشمنی‌ها را کاهش می‌دهد. ایالات متحده در این زمینه موفقیت‌های زیادی با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی فوق‌العاده خود داشته است اما ترامپ در کمتر از ۳ ماه، به طور مداوم متحدان اروپایی خود را تحقیر و حتی تهدید کرده بخشی از خاک دالمارک را تصاحب می‌کند. همچنین دولت ترامپ به طور مکرر با کشورهای مختلف، از جمله کلمبیا، مکزیک و کانادا درگیر شده است. این اقدامات، به همراه جنگ تجاری‌اش، به سرعت جایگاه آمریکا را در جهان تضعیف و آن را در برابر چین آسیب‌پذیرتر کرد است.

■ مرحله سوم: نادیده گرفتن احساسات ملی‌گرایانه

ترامپ می‌خواهد خود را به عنوان یک ملی‌گرا به نمایش بگذارد (اگرچه بیشتر به ثروت شخصی خود علاقه دارد تا به رفاه عمومی کشور) اما نمی‌داند که دیگر کشورها نیز احساسات ملی‌گرایانه شدیدی دارند. وقتی ترامپ دیگر رهبران کشورها را تحقیر می‌کند یا آنها را تهدید می‌کند، این کار تنها به افزایش تنش‌های ملی‌گرایانه در آن کشورها منجر می‌شود و رهبران این کشورها به سرعت متوجه می‌شوند ایستادگی در برابر ترامپ آنها را در داخل محبوب‌تر می‌کند.

وطن امروز

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۸۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
info@vatanemrooz.ir
پست الکترونیک: vatanemrooz@vatanemrooz.ir
پيام‌رسان: vatanemrooz
چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

درباره بازگشت شروین حاجی‌پور به فضای کار رسمی و حواشی پیرامون آن

عادی و طبیعی به روال سابق کارش برگردد؟ در این صورت هزینه سواستفاده‌های خودخواهانه به قدری پایین خواهد آمد که هر بار اتفاقی می‌افتد، راحت‌ترین کار همراهی با آن و در صورت فروکش کردن جو آن اتفاقات، بر گشت بی‌سر و صدا و بی‌هزینه به روال قبل است. در ضمن چنین وضعیتی تأثیر عاطفی بدی روی وفاداران به نظم و قاعده موجود می‌گذارد، چرا که می‌بینند ظاهراً کسانی که این چنین رفتار نمی‌کنند، منفعت بیشتری می‌برند و آخر سر دوباره همان‌ها هستند که بر صدر می‌نشینند. این‌هاست که فضاوت درباره فعالیت رسمی شروین حاجی‌پور را مشکل کرده؛ چه اینکه او فقط یک خواننده نیست تا در موردش هر نوع تصمیمی گرفته شود. او یک نمونه است که برخورد‌ها در برابرش نماد و الگویی از برخورد با مواردی است که افراد مشهور یا معمولی خطایی کرده‌اند یا اعتراض تندئ داشته‌اند و حالا که به نظر می‌رسد از آن فضا فاصله گرفته‌اند، یک بالاکلیفی خطرناک درباره اینکه چگونه باید با آنها رفتار کرد وجود دارد. اتفاقات سال ۸۸ و ۱۰ سال پس از آن اتفاقات سال ۹۸، خصوصاً ماجرای سقوط هواپیمای اوکراینی، ۲ موردی بودند که چهره‌های مشهور هنری و بعضاً ورزشی را به ورطه چنین رفتارهایی کشاندند و همین، جنس برخورد بعدی با آنها را چالش‌برانگیز می‌کرد.

استفاده از آن وجود ندارد.
■ تنبیه با تأخیر
یکی از روش‌هایی که در خیلی از کشورها برای برخورد با التهاپات اجتماعی و مواضع و رفتارهای تند افراد یا گروه‌ها اعمال می‌شود، سکوت و مهربانی تاکتیکی و موقت است. سکوت در برابر تندروی ممکن است هزینه چنین رفتارهایی را در افراد و گروه‌ها پایین بیاورد اما این سکوت بخصوص که از آن صحبت می‌شود، تاکتیکی و موقت است. طراحان چنین برنامه‌ای معمولاً صبر می‌کنند تا آن اتفاق ملتهب کاملاً فروکش کند و بعد در زمان‌های آرام و بدون التهاب بعدی، چهره‌های مشهوری که ساختار شکنی کرده بودند را با هزینه‌های واقعی ساختار شکنی روبرو کنند. مثلاً کار کردن را برای‌شان مشکل می‌کند یا از بعضی امکانات محروم‌شان می‌کنند. البته اگر حالا با آن نمی‌شود به طور عام و کامل و درباره همه افراد انجام داد، چون ممکن است در لحظه بحران هم برخورد با بعضی افراد یا جریان‌ها لازم باشد اما در خیلی از موارد می‌شود این روش تنبیه با تأخیر را پیاده کرد. پیاده کردن این روش با این هدف انجام می‌شود که هر کس امروز می‌خواهد از چارچوب بیرون بزند، بداند که حتی اگر حالا با او برخوردی نشد، ممکن است در آینده برایش گران تمام شود.

■ فرصت اجباری جبران

گاهی پس از اینکه یک غوغای بزرگ فروکش کرد، خیلی از مشاهیری که در آن مواضعی تند گرفته بودند، رفته‌رفته از کارشان پشیمان می‌شوند اما اعتراف به اشتباه برای‌شان سخت است. یک روش برخورد با چنین افرادی این است که مجدداً به آنها راه داده نشود تا عبرتی برای دیگران شوند اما روش دیگر جذب هوشمندانه آنها به جریان کار و فرصت دادن به آن افراد برای جبران خطاهاست. اینکه آنها بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای به آن روال سابق کارشان برگردند، برای خود آنها و دیگران ممکن است اصطلاحاً بدآموزی داشته باشد اما در همین فرصت پشیمانی می‌شود بهای معقولی برای بازگشت آن افراد در نظر گرفت و آنها را به این سمت هدایت کرد که برای جبران رفتارهای قبلی‌شان، کارهای دیگری را انجام بدهند که در شرایط عادی ممکن بود راحت نپذیرند. این روش در امتداد همان تنبیه با تأخیر قرار می‌گیرد اما ظرفیت‌ر است و نمود بیرونی آن هم کمتر به چشم می‌آید. یعنی غیر از خود آن افراد، باقی مخاطبان کمتر متوجه می‌شوند که چه سبزی طی شده است.

■ کنترل‌گری در لایبرنت‌های اقتصادی

یکی از روش‌های متداول در کشورها غربی برای ایجاد کنترل روی چهره‌های مشهور، از سلب‌ریزی‌ها گرفته تا شخصیت‌های معبر علمی و هر چهره‌ای که نفوذ اجتماعی دارد، استفاده از ابزارهای اقتصادی است. در آن کشورها گاهی حتی کسی که بسیار ثروتمند است و خانه و اتومبیل گرانی دارد، اگر بیکار شود و به مشکل مالی بخورد، نمی‌تواند تا چند ماه بیشتر این دارایی‌ها را نگه دارد و برای همین کسی چندان مایل نیست که خلاف نظر حامیان مالی‌اش رفتار یابد. این روش معمولاً پیشگیرانه است اما اگر کسی به این اخطارها توجه نکرد و از خطوط قرمز رد شد هم باز از همین شیوه‌های اقتصادی می‌توان برای برخورد با او استفاده کرد. نمونه‌هایی که طی چند سال اخیر در آمریکا بعضی افراد مشهور علیه همجنس‌بازی صحبتی کردند یا در دفاع از مردم فلسطین چیزی گفتند، نشان می‌دهد هر کشور سیستم حاکم با آنها چگونه است؛ اخراج از کار و بایکوت محض. در ایران اما این شیوه کنترلی از ابتدا وجود نداشته و معمولاً پس از غوغا به پا کردن چهره‌های مشهور، عداای می‌خواهند یا پول پاشی، دل‌شان را به دست بیاورند و جلوی رفتارشان را بگیرند.

و راز سپاه در جنگ، یعنی سردار شهید سرلشکر سیدعلی هاشمی پرداخته‌اند. همچنین ۲ فیلم که سراغ گروه ماژوئینیستی سرداران و غائله امل رفته‌اند، با نقش سپاه پاسداران در روزهای اول انقلاب مرتبط می‌شوند؛ «بازی خونی» و «شمال از جنوب غربی». «خدای جنگ» هم سراغ شخصیت شهید طهرانی‌مقدم، پدر صنعت موشکی ایران و فرمانده جنگال سپاه رفته‌است و البته در برخی فیلم‌های دیگر می‌توان بازتاب شخصیت پاسداران انقلاب را مشاهده کرد. مثلاً فیلم صیاد که برتره‌ای از سپهبد شهید صیادشیرازی است، از آنجا که به فعالیت‌های این شخصیت در روزهای اول جنگ می‌پردازد و تعاملات او با نخستین فرمانده‌های سپاه رانشان می‌دهد، بازتاب‌دهنده تصویر پاسداران انقلاب در روزهای اول جنگ هم هست. در این فیلم شخصیت نقاب‌ساز سرداران سپاه مثل محسن رضایی، رحیم صفوی و شهید حسن باقری به تصویر کشیده شده است که با استفاده از هوش مصنوعی صدای آنها هم مطابق با صدای شخصیت‌های اصلی بازسازی شده است.

نتیجه این رفتارها، آسیب جدی به روابط ایالات متحده با کشورهایی مانند کانادا بوده و این کشور در حال شکل‌دهی به ترتیبات اقتصادی و امنیتی جدید با سایر کشورهاست.

■ مرحله چهارم: تقویت هنجارها و ترک توافقات
رهبران هوشمند کشورهای بزرگ می‌دانند هنجارها و نهادهای بین‌المللی ابزارهای مفیدی برای مدیریت روابط بین‌الملل هستند اما ترامپ و مشاورانش گمان می‌کنند این نهادها و هنجارها تنها محدودیت‌هایی برای قدرت ایالات متحده‌اند. آنها بر این باورند غیرقابل پیش‌بینی بودن به آنها مزیت دهد اما در حقیقت این رفتار هم به اعتبار و ثبات آمریکا آسیب می‌زند. کشورها با سابقه نقض مداوم قوانین، مانند عراق در دوران صدام، به عنوان کشورهای خطرناک شناخته می‌شوند و معمولاً در سطح بین‌الملل منزوی می‌شوند.

■ مرحله پنجم: تضعیف بنیان‌های قدرت آمریکا
قدرت علمی و فناوری یکی از دلایل اصلی برتری اقتصادی و نظامی ایالات متحده است اما ترامپ در تلاش است این قدرت را از بین ببرد؛ از طریق انتصاب افرادی ناآگاه به مسائل علمی به سمت‌های کلیدی و کاهش حمایت از برنامه‌های تحقیقاتی. این رویکرد نه تنها به بخش‌های علمی و پزشکی کشور آسیب می‌زند، بلکه موجب کاهش رقابت‌پذیری آمریکا در عرصه جهانی خواهد شد. در نهایت، این اقدامات نشان‌دهنده نادیده گرفتن اصول اساسی در سیاست‌گذاری و روابط بین‌الملل است.
گروفسکری و انزوواطلیی که ترامپ به آن دامن زده، نه تنها ایالات متحده را از پیشرفت باز می‌دارد، بلکه آن را در جایگاهی ضعیف‌تر در جهان قرار می‌دهد و این همان چیزی است که به نظر می‌رسد در حال وقوع است؛ سیاست‌های ترامپ نه تنها آمریکا را بزرگ نمی‌کند، بلکه آن را فقیرتر، ضعیف‌تر و در سطح جهانی بی‌احترام‌تر می‌کند.